



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۶ اسفند ۱۳۹۷

مصادف با: ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۰

موضوع جزئی: مسأله ۱۳-جهات شش گانه - جهت هفتم: بررسی اعتبار انزال(حق در مقام)-

جهت هشتم: عدم اعتبار مطالبه زوجه در حکم

جلسه: ۷۹

سال اول

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در جهت هفتم یعنی اعتبار انزال در وطی واجب در هر چهار ماه بود. عرض شد دو قول در این مسأله وجود دارد؛ برخی قائل به اعتبار انزال هستند، مثل مرحوم سید. برخی قائل به عدم اعتبار انزال هستند؛ از کسانی که انزال را معتبر نمی‌داند، شهید ثانی در مسالک است. ایشان با اینکه قائل بود برای تحقق وطی واجب و طی در دبر کفایت نمی‌کند، اما در مورد انزال معتقد است مهم وطی در قبل است اگرچه انزال صورت نگیرد.

دلیل مرحوم سید بیان شد؛ عقیده مرحوم سید این است که خبر صفوان منصرف به وطی متعارف است و وطی متعارف مع الانزال است و لذا انزال معتبر است. سه اشکال به مرحوم سید ایراد شد؛ یکی اینکه چنین انصرافی پذیرفته نیست و ادله منصرف به وطی متعارف و وطی مع الانزال نیستند. ثانیاً، این با آنچه که مرحوم سید در مسأله قبل پیرامون عزل گفته اند منافات دارد. ثالثاً با آنچه که در ادامه گفته اند هم منافات دارد چون ایشان گفته اگر دلیل انصراف به وطی متعارف داشته باشد، وطی متعارف با مقدمات است پس باید مقدمات واقعه مثل تقبیل و تعانق و ملاعبه و امثال اینها واجب باشد، در حالی که خود مرحوم سید قائل به وجوب این مقدمات نیست.

حق در مقام

اما آنچه که در این مقام می‌توان گفت، آن است که ما باید ببینیم منظور از انزال، انزال الزوج است یا انزال الزوجه؟ ظاهر عبارات، انزال الزوج است؛ یعنی کأن نزاع و بحث در این است که آیا زوج می‌بایست انزال هم داشته باشد یا نه. در نوع عبارات، استفاده‌هایی که از ادله کرده‌اند، همین را می‌رساند که بحث از انزال زوج است. اما به نظر می‌رسد اگر ما حکم لزوم واقعه فی کل اربعة را (به مقتضای ادله) ارفاق برای زوجه بدانیم، قهراً می‌بایست در این مسأله حال او را ملاحظه کنیم؛ و روشن است که وطی در صورتی ارفاق برای زوجه خواهد بود که به نیاز او توجه شود. تناسب حکم و موضوع در روایت صفوان و نیز روایت حفص و ما روتاه العامة من عمر و آیه ایلاء، (یعنی تمام آنچه که ما به عنوان دلیل و مؤید ذکر کردیم) اقتضا می‌کند توجه به زوجه و لحاظ نیاز زن مورد نظر است. اینجا قرار نیست به نیاز مرد توجه شود. اگر ما گفتیم ادله مجموعاً حال زن را لحاظ کرده‌اند و نیاز او را مورد توجه قرار داده‌اند که قطعاً این چنین است می‌بایست انزال او مورد توجه قرار گیرد؛ مثلاً در روایتی که از عمر نقل شد، سؤال از نساء اهل مدینه این بود: «أكثر ما تصبر المرأة عن الجماع»، نهایت مدتی که زن می‌تواند بر این مسأله صبر کند چقدر است؟ این نشان می‌دهد غرض از آن حکم پاسخ به نیاز زن است.

یا مثلاً سید فرموده که اگر زنی نمی‌تواند تا چهار ماه صبر کند، و به معصیت می‌افتد احتیاط این است که يجب المواقعة؛ فتوا نداده ولی احتیاط واجب کرده است. پس به مقتضای ادله و فروع مربوط به این مسأله نیاز طبیعی زن مورد توجه قرار گرفته چون ممکن است به خاطر بی‌توجهی به آن، خسارت‌های روحی و جسمی متوجه او شود.

بر این اساس به نظر ما باید به جای اینکه به انزال الزوج توجه شود، به انزال المرأة توجه شود. اینکه عرض می‌کنم به انزال الزوجة توجه شود برای آن است که این یک امر طبیعی است؛ در پزشکی یا روانپزشکی نیز مطرح است که نفس واقعه با توجه، یک مطلوبیتی برای او دارد اما اگر آن حالت خاص - که اسم آن را انزال می‌گذارند یا اصطلاح ارگاسم برای آن به کار می‌برند - برای مرأه پیش نیاید، به آن نیاز پاسخ داده نشده است. یعنی کأن واقعه برای زن دو حالت دارد؛ تارة نفس واقعه بدون اینکه به آن حس برسد و آخری واقعه همراه با آن حس باشد؛ یعنی واقعه بدون انزال و واقعه با انزال. بنابراین آمار متخصصین بسیاری از طلاق‌هایی که امروزه در جامعه اتفاق می‌افتد، ناشی از مشکلات در همین روابط جنسی است؛ یعنی عدم توجه به نیاز زن. در این گزارشات پزشکی نوشته شده که زوج فقط به خواسته خود توجه دارد و هیچ توجهی به خواسته همسر نمی‌کند که این امر در درازمدت باعث ناآرامی‌های روحی، اضطراب، استرس و افسردگی می‌شود و در نهایت منجر به طلاق می‌گردد. این برای آن است که در واقعه و وطی، توجه به این نیاز زن نشده و مورد غفلت قرار گرفته است.

پس با توجه به این حقیقت که قابل انکار نیست و با توجه به این که ادله این حکم را از باب ارفاق برای زوجه قرار داده‌اند، و اینکه مبتلا به ضرر و حرج نشود به نظر می‌رسد آنچه که در وطی باید معتبر باشد، انزال المرأة است. لذا برخلاف مشهور (که این را از گذشته مطرح کرده‌اند که آیا انزال زوج در وطی واجب معتبر است یا بدون انزال هم کفایت می‌کند)، می‌بایست قبل از این مطلب بیشتر به انزال الزوجة توجه شود؛ چون او قرار است به آرامش برسد و از این نیاز خلاص شود، قرار است او گرفتار ضرر و حرج نشود. درست است اصل وطی یک مرتبه و مرحله‌ای از نیاز او را برطرف می‌کند اما اگر به آن نقطه و حالت نرسد، اتفاقاً گرفتاری‌های او را بیشتر می‌کند و او را بیشتر در معرض آسیب قرار می‌دهد. بله، انزال الزوج داخل الفرج - که در مسأله بعد درباره آن بحث خواهیم کرد - ممکن است یک مرتبه‌ای از نیاز زن را برآورده کند اما ارفاقی که این حکم بخاطر آن جعل شده، بدون انزال الزوجة تحقق پیدا نمی‌کند.

لذا به نظر ما وطی در هر چهار ماه که به عنوان یک تکلیف برای زوج ثابت شده و حقی برای زوجه است، باید به نحوی باشد که زن در این وطی به حال انزال برسد. این نکته‌ای است که به نظر ما از آن غفلت شده و کمتر به آن توجه شده است. البته درست است که این تکلیف مرد است و انزال زوجه در اختیار او نیست تا به آن عمل کند وی مسئله این است که او باید به این مطلب توجه کند نه اینکه در وطی هم فقط به فکر ارضای خویش باشد.

آنگاه بعد از این، بحث انزال الزوج مطرح است. آیا انزال الزوج اینجا اعتبار دارد یا نه؟ همان طور که برخی گفته‌اند، ما دلیلی بر اعتبار انزال الزوج نداریم. ادله‌ای که در مقام ارائه شده و مورد استناد قرار گرفته، عمدتاً نظر به همان نیاز زوجه دارد. لذا می‌شود بدون اینکه مرد به آن حالت برسد و انزال داشته باشد، نیاز زن برطرف شود. اینکه فرمودند این با سخن قبلی مرحوم سید که فرموده‌اند جواز عزل منافات دارد فی الجماع الواجب و منافات دارد با آنچه که در آینده خواهند گفت،

این درست است و ما هم می‌گوییم انزال معتبر نیست. اگر انزال معتبر نباشد، قهراً در مورد عزل حتی در جماع واجب نیز می‌گوییم اعتبار ندارد. در مورد مقدمات جماع هم همینطور است.

عمده مطلب همین مدعای مرحوم سید است که گفته این خبر منصرف به وطی متعارف است، و وطی متعارف مع الانزال است. اتفاقاً وطی متعارف برای زوجه هم مع الانزال است. به علاوه، اساساً انزال الزوج در اینجا مورد نظر نیست؛ حتی در جواب هایی که در این روایات و ادله و مؤیدات دیگر داده شده، همه توجه به آن نیاز زن است و اساساً انزال الزوج در این جهت تأثیرچندانی ندارد. لذا انصراف خبر به وطی متعارف که عبارت از وطی مع الانزال است، این ناتمام است. فتحصل مما ذکرنا کله در جهت هفتم، در وطی واجب در هر چهار ماه، انزال الزوجه معتبر است اما انزال الزوج معتبر نیست. سؤال:

استاد: شما قبول دارید که اساس این حکم ارفاقاً للزوجه جعل شده یا نه؟ گفتم که این نه تنها از لاجرح و لاضرر، بلکه از روایت صفوان هم فهمیده می‌شود. تناسب حکم و موضوع از سؤال و جواب در این روایت بدست می‌آید و به وضوح بر افاقی بودن این حکم دلالت می‌کند. سؤال کرده که یک زن جوانی در نزد مردی است؛ به خاطر مصیبتی مدت هاست از مواجهه خودداری کرده است. آیا این شخص گناهکار است؟ امام(ع) فرموده اند: بله، کسی که بیش از چهار ماه این کار را ترک کند، گناهکار است. تناسب حکم و موضوع روشن است. زن جوان، ترک مواجهه و قصد اضرار هم نداشته؛ این نشان می‌دهد که ترک مواجهه می‌تواند به قصد اضرار باشد. این چطور می‌تواند اضرار به زن باشد؟ سؤال:

استاد: باید به این مسأله توجه کند. فرض کنیم یک مردی چهار ماه ترک وطی می‌کند و سر چهار ماه برمی‌گردد؛ بدون هیچ مقدمه‌ای و خیلی سریع کار خودش را انجام می‌دهد و انزال هم می‌شود و بعد می‌رود. آیا واقعاً این ارفاق برای زوجه است؟ ما کمی خودمان را از جمود بر الفاظ خارج کنیم. بالاخره این حکم بنا بر گفته بسیاری، ارفاق برای زوجه است. سؤال عمر که: «أكثر ما تصبر المرأة عن الجماع»، این یعنی چه؟ آن چه زن می‌تواند بر آن صبر کند همین است که مرد بیاید و تکلیفش را عمل کند و بعد برود؟ وقتی این ارفاق است که او هم ارضا شود، بنابراین ما باید چیزی را در نظر بگیریم که بعداً ارفاقاً للزوجه.

تنها اشکالی که شما می‌توانید مطرح کنید آن است که بگویید انزال المرأة چه ربطی به مرد دارد و نمی‌توان او را مکلف به آن کرد. وقتی می‌گوییم انزال زوجه معتبر است، یعنی او تلاش و کوشش خود را در این سمت و سو قرار دهد و این مواجهه را برای رسیدن به آن منظور ترتیب دهد. ممکن است یک موردی باشد که نشود، این دیگر از قدرت او خارج می‌شود. اما حداقل مرد باید همه تلاش خود را کند و به این امر توجه کند. این خیلی مهم است که توجه مرد در این مواجهه به ارضای نیاز زن باشد یا اینجا هم فقط به فکر خودش باشد.

سؤال:

استاد: ما مجموع ادله را نگاه می‌کنیم؛ چون گفتیم ممکن است که تک تک ادله مشکلاتی داشته باشند. شما نمی‌توانید از تناسب حکم و موضوع غافل شوید. من قبول دارم که برخی از این امور مؤید هستند و دلیل محسوب نمی‌شوند.

جهت هشتم: عدم اعتبار مطالبه زوجة در حکم

آخرین جهت، جهت هشتم است. البته ما از ابتدا گفتیم شش جهت ولی برای اینکه بحث تکمیل شود به نظرمان رسید که دو جهت دیگر اضافه کنیم. جهت هشتم این است که آیا وجوب الوطی فی کل اربعة مشروط به مطالبه زوجه است یا مشروط به مطالبه زوجه نیست. با توجه به مطالبی که در بحث از جهات هفت گانه مطرح کردیم، پاسخ به این سؤال هم معلوم می‌شود. مرحوم سید در متن عروه این جهت را ذکر کرده و فرموده: «و الظاهر عدم توقف الوجوب علی مطالبتها ذلک»، ظاهر آن است که وجوب و طی متوقف بر مطالبه آن توسط زن نیست. این روشن است؛ به هر حال اطلاعات ادله لفظیه اقتضا می‌کند که چنین قیدی نباشد. ترک و طی بیش از چهار ماه حرام دانسته شده و این مطلق است، اعم از اینکه زن مطالبه کند یا نکند. ادله دیگر نیز همین طور؛ مسأله ارفاقی بودن این حکم و حرجی و ضرری بودن ترک مواقعه با زن، یعنی در واقع همان ادله‌ای که اصل حکم را با آن ثابت کردیم، اقتضا می‌کند که و طی متوقف بر مطالبه نباشد. مخصوصاً در نساء این جهت وجود دارد که آنها از مطالبه حیا دارند؛ نوعاً این چنین است که از مطالبه حیا دارند. بنابراین به نظر می‌رسد همان طور که مرحوم سید فرموده‌اند، وجوب و طی متوقف بر مطالبه نساء نیست.

هذا تمام الکلام فی المسألة الثالث عشر.

سؤال:

استاد: مسأله مطالبه غیر از اذن است. اینکه زن اذن در ترک دهد، این از موارد استثنا بود. گفتیم اگر زن رضایت به ترک مواقعه دهد، اشکال ندارد و گناهکار نیست. اما مسأله مطالبه یک مطلب دیگری است؛ چون ممکن است زن به خاطر حیا مطالبه نکند اما راضی به ترک هم نباشد. مطالبه نکردن ملازم با اذن در ترک نیست. اگر مطالبه نکردن ملازم و مساوق رضایت به ترک یا اذن در ترک بود، جای اشکال بود؛ ولی مسأله این است که اذن در ترک یک امر است، مطالبه نکردن امر دیگری است.

«والحمد لله رب العالمین»